سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۴۲ ■ سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

بازار کار ایران به روی زنان تنگ‌تر شد

داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار، نشان می‌دهد که فعالیت زنان در بازار کار، اختلاف چشم‌گیری با سایر کشورها دارد. با این حال، نرخ بیکاری نسبتا بالا و نرخ مشارکت اقتصادی پایین زنان ایرانی تمام ماجرا نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان در بازار کار، شغل خود را به‌راحتی از دست می‌دهند، اما به‌سختی شغل جدیدی پیدا می‌کنند؛ وضعیتی که یکی از عوامل حضور کمرنگ زنان در بازار کار ایران به شمار می‌رود. در واقع، دشواری اشتغال زنان تنها به ورود به بازار کار محدود نیست و حفظ موقعیت شغلی و بازگشت به اشتغال پس از بیکاری نیز برای آنان با موانع بیشتری همراه است. این شرایط در حالی رقم می‌خورد که سطح تحصیلات زنان در سال‌های اخیر افزایش یافته و بیش از نیمی از ظرفیت دانشگاهی کشور به آنان اختصاص دارد. در حال حاضر، نرخ مشارکت اقتصادی زنان همچنان در محدوده ۱۳.۷ درصد قرار دارد، درحالی‌که این رقم برای مردان حدود ۶۸ درصد است.

این شکاف نشان می‌دهد افزایش سرمایه انسانی به‌تنهایی برای بهبود موقعیت اقتصادی زنان کافی نیست و بازار کار ایران همچنان با موانع نهادی، حقوقی و فرهنگی در بهره‌گیری از ظرفیت نیروی کار زنان روبه‌رو است. از سوی دیگر، نابرابری جنسیتی تنها به احتمال بیشتر از دست دادن شغل یا دشواری یافتن فرصت‌های جدید محدود نمی‌شود؛ زنان در بسیاری از مشاغل با سطح دستمزد پایین‌تری مواجه‌اند و دسترسی محدودتری به فرصت‌های شغلی تمام‌وقت و پایدار دارند. مسوولیت‌های نامتوازن خانوادگی نیز می‌تواند امکان حضور مستمر آنان در بازار کار را کاهش دهد.

شکاف جنسیتی بازار کار ایران نشان می‌دهد افزایش سرمایه انسانی، به‌تنهایی نمی‌تواند به بهبود موقعیت اقتصادی زنان منجر شود و تحقق این هدف به وجود فرصت‌های شغلی متناسب و رفع موانع نهادی، حقوقی و فرهنگی نیاز دارد. از سوی دیگر، نابرابری جنسیتی تنها به دشواری ورود زنان به بازار کار محدود نیست؛ احتمال از دست دادن شغل در میان زنان، بیشتر است.

همچنین شانس بازگشت آنان به اشتغال کمتر است و سطح دستمزدشان در بسیاری از مشاغل پایین‌تر از مردان است. این وضعیت در کنار محدودیت دسترسی به مشاغل تمام‌وقت و مسوولیت‌های نامتوازن خانوادگی، آسیب‌پذیری



اقتصادی زنان را افزایش داده است. بررسی دو گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره وضعیت زنان در بازار کار و فراگیر نبودن رشد اقتصادی در ایران نشان می‌دهد که نابرابری در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، علاوه بر تضعیف بهره‌وری و استفاده از ظرفیت نیروی انسانی، می‌تواند به بازتولید فقر و تشدید نابرابری در سطح خانوارها و جامعه منجر شود.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد زنان با وجود تشکیل بیش از نیمی از جمعیت جامعه، با موانع ساختاری عمیقی در بازار کار مواجه‌اند. نرخ بیکاری زنان در بهار ۱۴۰۵ بیش از دو برابر نرخ بیکاری مردان گزارش شده که این امر نشان‌دهنده اصطکاک بالا و دشواری‌های مضاعف زنان جویای کار در یافتن شغل مناسب است. نابرابری جنسیتی تنها به دشواری ورود محدود نمی‌شود، بلکه ماندگاری زنان در موقعیت‌های شغلی نیز به‌شدت شکننده و آسیب‌پذیر است. داده‌ها نشان می‌دهند احتمال یافتن شغل برای زنان بیکار به مراتب پایین‌تر از مردان است، درحالی‌که احتمال از دست دادن یا تخریب شغل برای زنان شاغل وضعیتی هشدار دهنده دارد.

بهبود وضعیت اشتغال زنان و تحقق عدالت جنسیتی در بازار کار، فراتر از اتخاذ رویکردهای مقطعی، مستلزم تغییر نگرش‌های بنیادین و ادغام این موضوع در راهبرد توسعه ملی کشور است. در گام نخست، اصلاحات نهادی و بازنگری در قوانین محدودکننده، به‌ویژه موادی که به مردان اختیارات قیمومت و حق ممانعت از اشتغال همسر را می‌دهند، نقشی کلیدی در تسهیل فعالیت اقتصادی مستقل زنان ایفا می‌کند؛ امری که باید هم‌گام با پویش‌های آگاهی‌بخش عمومی و بازبینی متون آموزشی برای شکستن کلیشه سنتی «مرد نان‌آور» و بازتوزیع مسوولیت‌های مراقبتی در خانه پیش برود.

از سوی دیگر، کاهش هزینه‌های حضور زنان در بازار کار نیازمند سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در توسعه زیرساخت‌های مراقبتی، نظیر مهدهای کودک در دسترس و مقرون‌به‌صرفه و خدمات نگهداری از سالمندان است تا زمان کافی برای فعالیت حرفه‌ای زنان آزاد شود. همچنین، اصلاح روابط کار به‌سمت الگوهای انعطاف‌پذیر مانند ساعات کاری شناور، دورکاری و توسعه مشاغل نوین در بستر اقتصاد دیجیتال، مانع از خروج ناخواسته زنان از چرخه فعالیت اقتصادی می‌گردد.

در نهایت، با رفع تبعیض‌های ساختاری در سیستم بانکی، ارائه تسهیلات خرد متناسب و طراحی مداخلات بومی و متوازن بر اساس اقتضائات فرهنگی و اقتصادی هر استان، می‌توان زمینه کارآفرینی و دسترسی عادلانه به بازار را برای تمامی زنان، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، فراهم کرد و از سرمایه انسانی آنان در جهت رشد اقتصادی و ارتقای بهره‌وری ملی بهره برد.

منبع: دنیای اقتصاد

شبیه مریم اثر اکرم صادقی

رمان «شبیه مریم» نوشته اکرم صادقی، با روایت زندگی بانو فضه، یکی از زنان کمتر شناخته‌شده پیرامون حضرت فاطمه زهرا(س)، فرصتی برای بازخوانی جلوه‌هایی از سیره فاطمی و بررسی جایگاه ایمان، معرفت و مسئولیت در الگوی زن مسلمان فراهم می‌کند. به گزارش ایکنا، داستان کتاب، زندگی بانو فضه را از دوران پیش از حضور در مدینه آغاز می‌کند و سپس به مسیر ورود او به خانه حضرت فاطمه زهرا(س) می‌پردازد. در روایت، به نام‌های پیشین این شخصیت، از جمله مریم و می‌مانه، نیز اشاره شده است.



نویسنده با انتخاب فضه، شخصیت خود را در نقطه تلاقی دو جهان قرار داده است: جهان تجربه‌های شخصی زنی که با تغییرات بنیادین روبه‌رو می‌شود و جهان خانه‌ای که در حافظه مسلمانان با سیره پیامبر(ص) و خاندان وحی شناخته شده است. این زاویه دید می‌تواند به مخاطب کمک کند تا رخدادهای تاریخی را نه فقط از منظر شخصیت‌های محوری، بلکه از نگاه افرادی ببیند که در مجاورت آن وقایع زندگی کرده‌اند. یکی از ظرفیت‌های روایی کتاب، شیوه آغاز داستان است. روایت با تصویر بانو فضه در دوران کهنسالی آغاز می‌شود؛ زنی که پاسخ‌هایش به پرسش‌ها با آیات قرآن پیوند خورده است. سپس داستان به گذشته بازمی‌گردد و مسیر زندگی او را دنبال می‌کند. قرار گرفتن بخش مهمی از روایت در فضای مدینه و خانه حضرت فاطمه(س) نیز امکان بازنمایی مناسبات خانوادگی، اخلاق فردی و تجربه زیسته مسلمانان در صدر اسلام را فراهم می‌کند.

در بازخوردهای مطرح‌شده درباره کتاب «شبیه مریم»، دیدگاه‌های متفاوتی دیده می‌شود. برخی مخاطبان، آشنایی با زندگی بانو فضه و روایت داستانی رخدادهای تاریخی را از نقاط قوت اثر می‌دانند. در مقابل، شماری از منتقدان و خوانندگان به تکرار برخی مطالب، پرداخت ناکافی شخصیت‌های فرعی، محدود ماندن اطلاعات درباره خانواده فضه و پایان‌بندی داستان انتقاد کرده‌اند.

وقتی همسر به رقیب فکری تبدیل می‌شود

در دنیای به شدت رسانه‌ای امروز، مرز میان فضای عمومی و حوزه خصوصی بیش از هر زمان دیگری مخدوش شده است. امواج متلاطم اخبار، صف‌بندی‌های جناحی شبکه‌های اجتماعی و التهاب‌های بی‌پایان جهان سیاست، بی سر و صدا از درگاه خانه عبور می‌کنند و درست در نقطه ثقل زیست مشترک یعنی میز شام یا گفتگوی شبانه جا خوش می‌کنند. پدیده‌ای که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان خانواده از آن با عنوان استقطاب سیاسی در حریم خصوصی یا سرریز اضطراب‌های مدنی به روابط عاطفی یاد می‌کنند، امروزه بسیاری از زوج‌ها را خواسته یا ناخواسته درگیر تنش‌های فرساینده کرده است.به گزارش مبلغ، جامعه مدرن با بمباران بی‌وقفه روایت‌های متناقض، انسان‌ها را به اتخاذ مواضع صفر و صدی سوق می‌دهد. وقتی دو انسان با خاستگاه‌های ذهنی، فرهنگی یا تحلیلی متفاوت زیر یک سقف گرد هم می‌آیند، طبیعی است که در رویدادهای کلان روز دیدگاه‌های یکسانی نداشته باشند. چالش بنیادین از آنجا آغاز می‌شود که افراد هویت فردی و ارزش پیوند زناشویی را با وفاداری به یک جناح، شخص یا گفتمان سیاسی گره می‌زنند. در چنین وضعیتی، مخالفت همسر با یک تحلیل سیاسی، دیگر به عنوان یک تفاوت نگرش طبیعی تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی خیانت فکری، بی‌شعوری سیاسی یا تهدیدی علیه ارزش‌های بنیادین طرف مقابل ترجمه می‌گردد. اریک فروم، روان‌کاو برجسته، در تحلیل‌های خود پیرامون هنر عشق ورزیدن به روشنی هشدار می‌دهد که عشق بالغانه نوعی یگانگی در عین حفظ یکپارچگی و استقلال فردی است؛ حال آنکه تلاش برای یکسان‌سازی عقیدتی در حریم امن خانواده، رابطه را از مدار مهر به ورطه سلطه‌گری سوق می‌دهد.

تجربه کلینیکی مشاوران خانواده نشان می‌دهد در سال‌های اخیر مشاجره‌های کلامی بر سر مسائل روز، به شکل محسوسی جایگزین چالش‌های سنتی همسران شده است. فردی که خشم ناشی از ناتوانی در تغییر معادلات کلان اجتماعی را در درون خود تلمبار کرده، ناخودآگاه نزدیک‌ترین شریک زندگی خود را به سیبل تخلیه این ناکامی تبدیل می‌کند. در این بستر، تحقیر، برچسب‌زنی سیاسی و مسخره کردن تحلیل‌های دیگری، به تدریج دیوار اعتماد عاطفی را تخریب می‌کند. پیوند زناشویی بر پایه‌های بنیادین تفاهم، مدارا، پذیرش تفاوت‌ها و همدلی بنا شده است، در حالی که ذات منازعات جناحی بر مبنای حذف، تخریب حریف و دوگانه‌سازی ما و آنها شکل می‌گیرد. ورود این منطق خشن به بستر خانه، کارکرد آرامش‌بخشی و سکونت خانواده را کاملاً خنثی می‌سازد.

خانواده موفق پناهگاهی امن در برابر فرسایش‌های جهان پرآشوب بیرون است، نه شعبه‌ای از میتینگ‌های حزبی یا تریبون تسویه‌حساب‌های رسانه‌ای. زوج‌های هوشمند درمی‌یابند که بقای آشیانه مشترک و حفظ حریم امن فرزندان، ارزشی به مراتب فراتر از اثبات درستی یک پیش‌بینی سیاسی زودگذر دارد. آن‌ها به جای تحمیل افکار یا بریدن رشته گفتگو، با تکیه بر گوش دادن فعال و تاب‌آوری روانی، مهارت مرزبندی هوشمندانه را تمرین می‌کنند؛ مهارتی که اجازه نمی‌دهد موج‌های ناپایدار بیرونی، لنگرگاه سکون و آرامش خانوادگی را در هم بشکند.

در معارف اسلامی نیز خانواده کانون آرامش، مودت و کانون رشد انسانی معرفی شده است. متون اصیل دینی با نگاهی واقع‌بینانه به تنوع افکار، همواره بر نرم‌خویی، مدارا و چشم‌پوشی از تفاوت‌های سلیقه‌ای برای بقای حریم مشترک تأکید کرده‌اند؛ نکته‌ای که در ادبیات اخلاقی و روایی ما نیز جلوه‌ای عمیق دارد و جایگاه آن در منابع معتبر قابل ردیابی است:

۱. قرآن کریم غایت آفرینش همسران را دستیابی به آرامش متقابل دانسته و اساس این پیوند را بر پایه محبت قلبی و مهربانی قرار داده است (سوره روم، آیه ۲۱): و از نشانه‌های او این است که از خود شما همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد.

«آگهی ابلاغ مفاد ۱۲ ماده واحده از حدث قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در قوت برق اصفهان
در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و مرتبط با ماده ۱۲ قانون مشکور از طریق این مصادیق سعی بر تایید انتقال
دوره اعتراض حضور به این اداره قسمت نشوده و در صورت یک ماه از تاریخ قسمت اعتراض، قرصت داده نمیشود به دادگاه صالحه و ارائه گواهی مبنی بر
طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبتی موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود ضمنا مهلت واحترام دعوی اعتراض عنوان مدت مذکور خواهد
شد و صدور سند مالکیت صرفا از اداره مذکور صادر خواهد شد
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
مصطفی خسروی - رییس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک شهر بابلرود
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و بند ۱۴ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
ساختمان و بنا متعلق به رضا موسوی فرزند قربانعلی نسبت به شماره ثبت ۱۰۲۵ فرعی از ۱۰۲۵ اصلی واقع در بابلرود بخش ۱۰۲ مساحت ۱۲۰ متر مربع خریداری
خانه منضم طلاغ عموم مراقب در خصوص ۱۵ روز آگهی نمیشود در صورتی که مالک متقاضی اعتراضی داشته باشد میتواند از
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
مسعود نیک بین - رییس اداره ثبت اسناد و املاک بابلرود